



<p>۱. مغالطه اشتراک لفظ</p>	<p>تعریف: استفاده از واژه یا عبارتی که چندمعنا دارد بدون وجود قرینه و مخاطب معنایی را بفهمد که منظور گرونده نیست                  مثال (در اسم): وضع [مالی یا معنوی؟] زید خراب است.                  مثال (در فعل): او آجرهای مرا بالا کشید [به مکان بالاتری انتقال داد یا غصب کرد؟].                  مثال (در حرف): باوجود [علی‌رغم وجود یا در صورت وجود؟] امثال شما، وضع این دانشگاه اصلاح نمی‌شود.</p>
<p>۲. مغالطه ابهام ساختاری</p>	<p>تعریف: ساختار جمله به گونه‌ای است که بیش از یک معنا را افاده می‌کند و قرینه‌ای هم وجود ندارد و لذا مراد گوینده مشخص نمی‌شود.                  ۱. مبهم بودن مرجع ضمیر: خلیفه بلافصل کیست؟ «مَنْ بَنَتْهُ فِي بَيْتِهِ»                  ۲. عدم رعایت علائم سجاوندی: عفو لازم نیست اعدامش کنید.                  ۳. ابهام در نقش دستوری: من از راهنمایی علی [اضافه مصدر به فاعل است یا مفعول؟] خرسندم.                  ۴. ابهام ممثل در جملات منفی: علی مثل رضا زودباور نیست. [رضا زودباور هست یا نیست؟]                  ۵. مغالطه ابهام قید: معلوم نبودن احترازی یا توضیحی بودن قیود                  ۶. مغالطه ابهام در محذوف: «آیا میل دارید با ما سفر کنید؟ نه میل ندارم» در اینجا معلوم نیست اصلاً میل به سفر ندارد یا میل سفر با ما را ندارد.</p>
<p>۳. مغالطه ترکیب مفصل</p>	<p>تعریف: ترکیب دو خبر درباره یک شیء که به صورت جداگانه، صادق هستند ولی به صورت ترکیبی کذب هستند.                  مثال: علی خطاط و نویسنده ماهری است، مغالطه است چون علی فقط در نویسندگی ماهر است ولی در خطاطی ماهر نیست.</p>
<p>۴. مغالطه تفصیل مرکب</p>	<p>تعریف: جدا نمودن یک خبر مرکب که به صورت مرکب، صادق است ولی به صورت جداگانه کاذب می‌شود.                  مثال: «این حیوان، اسب کوچکی است.» مغالطه نیست ولی «این حیوان کوچکی است»، مغالطه هست چون اسب کوچک در میان اسب‌ها کوچک است اما از بسیاری از حیوانات بزرگ‌تر است.</p>
<p>۵. مغالطه واژه‌های مبهم</p>	<p>تعریف: استفاده از واژه‌های مبهم مانند بعضی، چندی، زیاد، کم و ... باهدف مبهم بودن مراد و معلوم نشدن مقدار مورد اراده از این واژه‌ها باهدف فرار از نقدهای بعدی                  مثال: یکی از اطرافیان شما به زودی به موفقیت بزرگی دست پیدا می‌کند.                  ما در کشورهای دیگر مداخله نظامی نمی‌کنیم ولی در شرایط خاص، جنگ محدود را می‌پذیریم.</p>

<p><b>۶. مغالطه اهمال سور</b></p>	<p>تعریف: مهمل گذاشتن سور در قضیه‌ای که به صورت کلی صادق نیست. مثال: غذاخوری‌های بین‌راهی بهداشتی نیست پس در آن‌ها غذا نخورید؛ ظاهر عبارت موهم کلیت است درحالی‌که قضیه به نحو کلی درست نیست.</p>
<p><b>۷. مغالطه سورهای کلی نما</b></p>	<p>تعریف: استفاده از واژه‌هایی که بیانگر تعداد نامعینی هستند در جایی که گزاره‌های کلی صادق نیستند. مثال: در هر رستورانی غذا نخورید؛ ظاهر جمله توهم ایجاد می‌کند که از هیچ رستورانی غذا نخورید.</p>
<p><b>۸. مغالطه بزرگ‌نمایی</b></p>	<p>تعریف: جنبه یا جنبه‌های خاصی از یک واقعیت مهم‌تر و بزرگ‌تر از آنچه هست، جلوه داده می‌شود. مثال: حراج واقعی از پنج تا پنجاه درصد</p>
<p><b>۹. مغالطه کوچک‌نمایی</b></p>	<p>تعریف: تلاش برای کوچک‌تر جلوه دادن برخی از ابعاد مطلب مثال: مطب دندان پزشکی تجربی</p>
<p><b>۱۰. مغالطه تکیه کلام / تأکید لفظی</b></p>	<p>تعریف: مصداقی از دو مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی مثال: به هم وطنان خود دروغ نگویند.</p>
<p><b>۱۱. مغالطه توریه</b></p>	<p>تعریف: ظاهر سخن دارای معنایی درست است اما آنچه مخاطب درک می‌کند، نادرست است چون از الفاظ مبهم یا مشترک استفاده شده است. مثال: اولی: پول داری؟ دومی: کیف پولم را در خانه جا گذاشته‌ام! مخاطب گمان می‌کند او اصلاً پول ندارد.</p>
<p><b>۱۲. مغالطه نقل قول ناقص</b></p>	<p>تعریف: نقل سخن دیگران به صورت ناقص برای رسیدن به هدفی خاص مثال: من نماز نمی‌خوانم چون قرآن می‌فرماید: ولا تقربوا الصلاة.</p>
<p><b>۱۳. مغالطه تفسیر نادرست</b></p>	<p>تعریف: نقل سخن دیگران به صورت کامل اما تفسیر آن سخن به صورت دلبخواه برای رسیدن به هدفی خاص مثال: در روایت نبوی آمده است یا عمار تقتلک الفئه الباغیه؛ معاویه بعد از شهادت عمار گفت: منظور آن کسی است که او را به میدان نبرد فرستاد.</p>

<p>۱. مغالطه ایهام عکس</p>	<p>تعریف: عدم رعایت قواعد عکس نمودن                      مثال برای عکس مستوی: عکس نمودن موجهه کلیه به موجهه کلیه؛ هر انسانی حیوان است پس هر حیوانی انسان است.                      مثال برای عکس مستوی: عکس نمودن سالبه جزئی به بعض حیوان ها انسان نیستند پس بعض انسان ها حیوان نیستند.                      مثال برای عکس نقیض: عکس نقیض نمودن موجهه جزئی به بعضی از لا انسان ها حیوان اند پس برخی از لا حیوان ها انسان اند.                      مثال برای عکس نقیض موافق: عکس نقیض موافق نمودن سالبه کلیه به سالبه کلیه؛ هیچ چوبی معدن نیست پس هیچ غیر معدنی غیر چوب نیست.</p>
<p>۲. مغالطه رفع مقدم</p>	<p>تعریف: در قیاس استثنایی فقط وضع مقدم و یا رفع تالی نتیجه می دهد لذا رفع مقدم نوعی مغالطه است.                      مثال: اگر باران بیارد زمین خیس می شود لکن باران نیامد پس زمین خیس نشد؛ امکان دارد بدون بارش باران نیز زمین خیس شود.</p>
<p>۳. مغالطه وضع تالی</p>	<p>تعریف: در قیاس استثنایی فقط وضع مقدم و یا رفع تالی نتیجه می دهد لذا وضع تالی نوعی مغالطه است.                      مثال: اگر آهن حرارت ببیند منبسط می شود لکن آهن منبسط شده پس حرارت دیده است؛ امکان دارد آهن با دستگاه کشش، منبسط شده است.</p>
<p>۴. مغالطه عدم تکرار حد وسط</p>	<p>تعریف: استفاده از واژه مشترک در صغرا و کبرا به دو معنای متفاوت و لذا عدم تکرار حد وسط                      مثال: سعدی انسان [مصدوق انسان] است و انسان [مفهوم انسان] کلی است پس سعدی کلی است.                      مثال: حافظ انسان [مسمای انسان] است و انسان [لفظ انسان] پنج حرفی است پس حافظ پنج حرفی است.                      مثال: رستم شیر [به معنای مجازی] است و شیر [به معنای حقیقی] در جنگل زندگی می کند پس رستم در جنگل زندگی می کند.                      مثال: در باز [به معنای مفتوح و گشوده] است و باز [نوعی پرنده] پرواز می کند پس در پرواز می کند.</p>
<p>۵. مغالطه تکرار بخشی از حد وسط</p>	<p>تعریف: تکرار بخشی از حد وسط                      مثال: شراب از انگور است و انگور مباح است پس شراب مباح است. / دیوار موش دارد و موش گوش دارد پس دیوار گوش دارد.</p>
<p>۶. مغالطه مصادره به مطلوب</p>	<p>تعریف: استفاده از گزاره مجهول در مقدمات برای اثبات همان گزاره مجهول                      مثال: انسان بشر است و هر بشری ضاحک است پس انسان ضاحک است.</p>

<p>۷. مغالطه استدلال دوری</p>	<p>تعریف: اثبات گزاره‌ای مجهول با استفاده از گزاره‌ای که اثبات آن، بی‌واسطه یا باواسطه بر همان گزاره مجهول وابسته است. مثال: شما می‌توانید به من اعتماد کنید و بنده آقای فلانی را معرفی خود قرار می‌دهم و خود من، معرفی او هستم.</p>
<p>۸. مغالطه جمع مسائل در یک مسئله</p>	<p>تعریف: ادغام دو گزاره و تشکیل یک گزاره و سپس یک قیاس درحالی که آن گزاره ضمیمه شده دارای اشکال است. مثال: تنها مردان قاضی هستند [مردان قاضی هستند و غیر مردان قاضی نیستند] و هرکسی قاضی باشد، عادل است پس تنها مردان عادل هستند.</p>
<p>۹. مغالطه استدلال نامربوط</p>	<p>حالت اول: مدعای عام و دلیل خاص؛ دلیل خاص، مدعای عام را ثابت نمی‌کند. مثال: سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به نفع کشور است چون از طریق صادرات دانه‌های روغنی سود زیادی عاید کشور می‌شود. حالت دوم: مدعای مطلق و نتیجه‌گیری خاص مثال: باید در شب عروسی، ده نوع غذا تهیه شود چون اسلام توصیه به ولیمه دادن در شب عروسی کرده است. حالت سوم: نبود ارتباط بین مدعا و دلیل مثال: طرح شما برای پیشگیری از تصادفات رانندگی عالی هست چون تخلفات رانندگی باعث تصادفات می‌شود.</p>
<p>۱۰. مغالطه تمثیل</p>	<p>تعریف: سرایت ویژگی‌های یکی از دو چیز مشابه به دیگری به‌صرف مشابَهت مثال: پیامبران همانند سایر افراد بشر هستند پس همان‌گونه که سایر افراد بشر خطا می‌کنند، پیامبران نیز خطا می‌کنند.</p>
<p>۱۱. مغالطه کنه و وجه</p>	<p>تعریف: در صورتی که معرف چند جنبه دارد ولی به‌صورت حقیقی و نه اضافی، در مقام تعریف، معرف را منحصر در جنبه‌ای خاص بدانیم. مثال: سیاست چیزی نیست جز خدعه و نیرنگ.</p>
<p>۱۲. مغالطه هستی به‌جای چیستی</p>	<p>تعریف: آوردن هستی یک شیء در مقام پاسخ به چیستی و ماهیت آن شیء؛ هستی وجه مشترک همه موجودات بوده و با ذکر هستی، شیء موردنظر از غیر خود بازشناخته نمی‌شود؛ البته اگر هستی و چیستی یک شیء یکی باشد مغالطه نمی‌شود همانند خداوند متعال. مثال: ماده چیست؟ چیزی است که وجود دارد.</p>
<p>۱۳. مغالطه این از آن، پس این همان</p>	<p>تعریف: در مقام تعریف یک شیء، آن را بدون در نظر گرفتن هویت فعلی‌اش، عین مبدأ یا ماده‌اش تعریف کنیم. مثال: آب همان هیدروژن و اکسیژن است / کره همان شیر است.</p>

<p>۱۴. مغالطه عقب نشینی تعریفی</p>	<p>تعریف: طرح یک ادعا و سپس تصرف در معنای واژه‌ها در مقام پاسخ به انتقادات باهدف باقی ماندن بر ادعای اولیه مثال: اولی: حسن تاکنون به خارج سفر نکرده! دومی: ولی وی به تازگی از بنگلادش برگشته است! اولی: مگر بنگلادش هم جزء خارج است؟</p>
<p>۱۵. مغالطه توسل به مرجع کاذب یا نامناسب</p>	<p>تعریف: استناد به قول متخصصین برای اثبات یک گزاره درحالی که آن متخصص در غیر از حوزه تخصصش اظهارنظر کرده و یا اینکه آن شخص کارشناس معمولی است ولی به جای ذکر نام او از عناوینی مانند یکی از دانشمندان بزرگ یاد می‌شود تا ادعا موردپذیرش قرار بگیرد. مثال: بسیاری از فیزیکدانان اعتقادی به خدا ندارند پس خدا وجود ندارد.</p>
<p>۱۶. مغالطه قیاس مضمهر مردود</p>	<p>تعریف: قیاسی که یکی از دو مقدمه یا نتیجه آن حذف شده است درحالی که آن مقدمه یا نتیجه کاذب است. مثال: فلانی دزد است چون شب‌ها در کوچه‌ها راه می‌رود.</p>
<p>۱۷. مغالطه طرد شقوق دیگر</p>	<p>تعریف: در قیاس استثنایی منفصله حقیقیه یا مانعه الخلو که قیاس بیش از دو مؤلفه دارد و همه آن‌ها ذکر نمی‌شود ولی با رفع همه مؤلفه‌ها به جز یک مؤلفه، همان یکی نتیجه گرفته می‌شود درحالی که ممکن است شق دیگری که در مقدمه ذکر نشده، صادق باشد. مثال: این شخص یا دوست است یا دشمن ولی دوست نیست پس دشمن است.</p>
<p>۱۸. مغالطه در مفاهیم نسبی</p>	<p>تعریف: به کار بردن مفهوم نسبی غیر متعدی و غیرمقارن به جای مفهوم مقارن یا متعدی. مثال: الف نصف ب است و ب نصف ج است پس الف نصف ج است؛ مفهوم نصف بودن یک مفهوم نسبی غیر متعدی است.</p>
<p>۱۹. مغالطه ترکیب</p>	<p>تعریف: نسبت دادن حکم اجزای یک مرکب به کل آن مرکب در حالت ترکیب مثال: این دستگاه بهترین دستگاه است چون تمام قطعات آن از بهترین نوع است؛ علاوه بر مرغوب بودن قطعات باید ترکیب نیز مرغوب باشد.</p>
<p>۲۰. مغالطه تقسیم</p>	<p>تعریف: نسبت دادن حکمی که برای یک کل و مجموعه ثابت است، به یک جزء آن مجموعه مثال: او در موسسه‌ای مهم و معتبر کار می‌کند پس آدم خیلی مهمی است.</p>
<p>۲۱. مغالطه توسل به کثرت</p>	<p>تعریف: مستدل معیار شناسایی کذب یک گزاره را رأی فراوان یا اکثریت می‌داند درحالی که کثرت نشان صدق نیست. مثال: این مقاله علمی خیلی معتبر است چون به پنج زبان زنده دنیا ترجمه شده است.</p>
<p>۲۲. مغالطه عدم سابقه</p>	<p>تعریف: درست ندانستن یک مطلب به خاطر نداشتن سابقه مثال: اگر سیگار بد است پس چرا افراد قدیمی آن را بد نمی‌دانستند؟</p>

<p>۱. مغالطه هر بچه مدرسه‌ای می‌داند</p>	<p>تعریف: تلاش برای بدیهی نشان دادن مدعا برای فرار از اقامه استدلال مثال: این مطلب مانند دودو تا چهار تا است که هر گاه جامعه با تورم روبرو شود دولت باید آزادی بیشتری به مطبوعات بدهد!</p>
<p>۲. مغالطه توسل به جهل</p>	<p>تعریف: استدلال کننده به گونه‌ای ظریف، بی‌اطلاعی خود را دلیل بر مدعا نشان می‌دهد. جنبه اثباتی این مغالطه این است که چون من نمی‌دانم مدعا نفی شده یا خیر، پس مدعا ثابت است. مثال: مقاله فلان شخص باید دقیق و عالمانه باشد زیرا فکر می‌کنم تاکنون یک نقد و اعتراض هم به آن نشده است. جنبه سلبی این مغالطه این است که چون من نمی‌دانم مدعا ثابت شده یا خیر، پس مدعا مردود است. مثال: اعتقاد به وجود جن خرافه‌ای بیش نیست چون من تاکنون هیچ کتاب و مقاله علمی در این باره ندیده‌ام.</p>
<p>۳. مغالطه مسموم کردن چاه</p>	<p>تعریف: نسبت دادن صفتی مذموم به مخالفان یک مدعا تا اگر کسی قصد نقد داشت، خود را مصداقی از مصادیق آن صفت مذموم بیاید. مثال: اولی: همه افراد به‌جز آنان که با دچار عقده جنسی هستند با آموزش مختلط موافق‌اند.</p>
<p>۴. مغالطه تله گذاری</p>	<p>تعریف: نسبت دادن صفت مثبت و ممدوح به مخالفان مدعای مطرح شده به‌جای اقامه استدلال، تا مخاطب برای اینکه خود را مشمول آن صفت نشان دهد، آن مدعا را بپذیرد. مثال: من نام پوپک را برای شرکت پیشنهاد می‌دهم و مطمئنم دوستان ادب‌دوست و دانشمندم به این نام رأی مثبت خواهند داد.</p>
<p>۵. مغالطه طلب برهان از دیگران</p>	<p>تعریف: شخص به‌جای اقامه دلیل بر گزاره نظری، از دیگران می‌خواهد که برای رد آن، دلیل اقامه کنند یا به‌جای اقامه دلیل بر رد گزاره‌ای، از دیگران می‌خواهد که برای قبول و اثبات آن دلیل بیاورند. مثال: نصرالدین در نقطه‌ای ایستاد و گفت اینجا مرکز زمین است بعد گفت اگر قبول ندارید متر بردارید و اندازه بگیرید.</p>
<p>۶. مغالطه استفاده از کلمات ارزشی</p>	<p>تعریف: همراه کردن مدعا و امور مربوط به خود با کلمات دارای بار ارزشی مثبت و همراه کردن مدعای طرف مقابل با کلمات منفی مثال: او در موضع‌گیری‌های خود یک‌دنده و کله‌شقی است.</p>

مغالطات درونی در مقام نقد		
مغالطات درونی در مقام نقد	۱. مغالطه توهین و استهزا	تعریف: توهین به طرف مقابل باهدف غیرقابل قبول جلوه دادن مدعی وی مثال: این مقاله ارزش خواندن ندارد زیرا نویسنده آن یک فرد ضدانقلاب و دروغ گو هست!
	۲. مغالطه تکوینی	تعریف: اشاره به منشأ پیدایش یک مطلب به جای نقد آن درجایی که منشأ آن مطلب، شخص یا جریان منفوری هست! مثال: این مطلب شما یک قیاس فقهی است و چون اولین کسی که قیاس کرد، ابلیس بود لذا مطلب شما قابل قبول نیست!
	۳. مغالطه اینکه چیزی نیست	تعریف: بی اهمیت نشان دادن مدعی طرف مقابل به جای نقد آن مثال: طرح شما چیزی تازه ای نداشت! بی جهت وقت ما را تلف کردید!
	۴. مغالطه انگیزه به جای انگیخته	تعریف: تلاش برای نشان دادن درستی عمل از طریق نیت خوب و نادرستی عمل یا اندیشه از طریق نادرستی انگیزه مثال: مطالب این استاد به درد نمی خورد چون آدم بداخلاقی است!
	۵. مغالطه اینکه مغالطه است	تعریف: مغالطه خواندن مطلب طرف مقابل بدون ارائه هیچ دلیلی
مغالطات درونی در مقام نقد	۱. مغالطه پهلوان پنبه	تعریف: ارائه تقریری ضعیف از مدعی طرف مقابل و نقد آن تقریر ضعیف باهدف رد مدعی طرف مقابل مثال: کمونیسم مدعی است که می خواهد کارگران بی سواد و ساده لوح را بر جامعه حاکم کند و این مطلب مردود و غلط است.
	۲. مغالطه ارزیابی یک طرف	تعریف: توجه به یک جنبه از مسئله در مقام ارزیابی یک مطلب مثال: ازدواج نکن چون ازدواج مشکلات متعددی همانند مسئولیت و محدود شدن آزادی شخصی و هزینه های فراوان به دنبال دارد.
	۳. مغالطه کامل نامیسر	تعریف: طرح پیشنهادی هر چند کامل تر است ولی به دلیل برخی محدودیت ها به درد زمان پیشنهاد نمی خورد. مثال: من در انتخابات شرکت نمی کنم چون هیچ یک از نامزدها تمام شرایط مطلوب را ندارند.
	۴. مغالطه رد دلیل به جای رد مدعا	تعریف: تلاش برای رد مدعا از طریق رد دلیل اقامه شده بر آن مدعا درحالی که رد مدعا نیازمند دلیل مستقل هست. مثال: برای شما روشن شد که آن شخص جن گیر یک شیاد است پس باید از اعتقاد به وجود جن دست برداری!



<b>مغالطات درونی در مقام دفاع</b>	<b>۱. مغالطه توسل به معنای لغوی</b>	تعریف: در مقام پاسخ به انتقادات و توجیه اشتباه، شخص معنایی دیگر از واژه غیر از معنای اولیه‌ای که به ذهن می‌آید را اراده می‌کند. مثال: با اینکه فرودگاه افتتاح شده ولی چرا پروازی صورت نمی‌گیرد؟ مسئول: ما گفتیم فرودگاه افتتاح شده نه اینکه پروازها شروع شده!
	<b>۲. مغالطه پیش‌داوری</b>	تعریف: در صورتی که داوری‌ها مستند به شواهد و ادله باشد، نقدی بر داور نیست ولی اگر داور، باور نادرستی داشته باشد و با وجود شواهد جدید برخلاف آن، بازهم بر باور غلطش اصرار بورزد، دچار چنین مغالطه‌ای شده است! مثال: گاليله خطاب به کشیش‌ها: اگر سخن مرا باور ندارید، از پشت تلسکوپ ب آسمان نگاه کنید! کشیش‌ها: مطلب همان است که ما گفتیم اگر تو غیر از این می‌بینی، یا چشمت معیوب است و یا تلسکوپ خراب است!
	<b>۳. مغالطه توسل به واژه‌های مبهم</b>	تعریف: استفاده از واژه‌های مبهم در مقام دفاع مثال: اولی: شما فلانی را معرفی کرده و گفتید او را می‌شناسید ولی او دزد است! دومی: او را می‌شناسم ولی انسان دچار گناه و خطا می‌شود!
	<b>۴. مغالطه تغییر موضع</b>	تعریف: گاهی شخصی سخنی گفته و ادعایی مطرح می‌کند و به هنگام روشن شدن بطلان ادعایش، موضع خود را تغییر داده و به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا سخن و ادعای سابقش درست بوده است! مثال: ما گفتیم که شرکت در این کلاس مجانی است اما نه برای همه جلسات بلکه برای جلسه اول!

<b>مغالطات بیرونی در مقام دفاع</b>	<b>۱. مغالطه تو هم همین طور</b>	تعریف: مغالطه کننده به جای پاسخ به نقد وارده شده، در مقام دفاع، به ناقد می گوید تو نیز مانند من هستی و این نقد به تو نیز وارد می شود پس این نقد به من وارد نیست.
		مثال: پدر خطاب به پسرش: چرا سیگار می کشی؟ پسر: خود شما هم در جوانی سیگار می کشیدید!
	<b>۲. مغالطه یک بام و دوهوا</b>	تعریف: ابراز نظر یا صدور دو حکم متفاوت در دو موقعیت همسان
		مثال: پلیس خطاب به راننده متخلف: چرا سبقت غیرمجاز گرفتی؟ راننده متخلف: من خودم پلیس و من مجبور به سبقت شدم!
	<b>۳. مغالطه شوخی بی ربط</b>	تعریف: تلاش برای فرار از پاسخ و منحرف کردن ذهن منتقد با شوخی کردن به جای پاسخ دادن به نقد
		مثال: شاگرد: اگر جن از آتش آفریده شده چرا در آینه دیده نمی شود؟ معلم: چرا دیده نمی شود، برو به آینه نگاه کن حتماً آن را خواهی دید!
	<b>۴. مغالطه البته ... اما</b>	تعریف: اعتراف به وارد بودن اشکال و نقد در عین تلاش برای آوردن عذر باهدف نادرست و نابجا نشان دادن اشکال و نقد
		مثال: آقای سخنران وقت شما تمام شده است! سخنران: بله ولی این نکته مهم است و باید آن را بگویم!